

سناریوهای امکان حمله دوباره اسرائیل



محمد محمودی‌کیا

عضو هیأت علمی پژوهشکده

امام خمینی

این پرسش که آیا حمله بعدی در کار خواهد بود، همچنان به عنوان یکی از کلیدی ترین سوالات در کانون توجه تحلیلگران و افکار عمومی قرار دارد. پاسخ به این پرسش، با تمام پیچیدگی هایش، به عبور از سطح روایت های برآمده از سطح مشاهده پذیر علت ها و درک لایه های پنهان معادلات امنیتی نیازمند است. آنچه در فضای عمومی قابل رصد است، تنها بخش کوچکی از واقعیت را تشکیل می دهد؛ چراکه در مسائل امنیتی – نظامی، تصمیم سازی ها عمدتاً در کانال های غیرعلنی و خارج از دید عموم انجام می شود. این پنهان کاری ذاتی، تحلیل جامع را با دشواری های مضاعفی مواجه می کند. برآیند مرحله نخست درگیری های اخیر نشان می دهد که محاسبات رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن با ناکامی راهبردی مواجه شده است. اگرچه ضرباتی به برخی تأسیسات وارد آمد، اما در نهایت، این عملیات نتوانست به اهداف کلیدی از پیش تعیین شده – از جمله تضعیف قاطع توان دفاعی ایران یا متوقف کردن برنامه های راهبردی هسته ای آن – دست یابد. در مقابل، توانمندی نیروهای مسلح ایران در هدف قرار دادن نقاط حیاتی رژیم صهیونیستی، فراتر از برآورد های اولیه دشمن عمل کرد و اثربخشی بی سابقه ای را در میدان به نمایش گذاشت. این موفقیت ها، معادله بازدارندگی منطقه ای را به گونه ای دگرگون ساخته است که پیامدهای آن در ماه های آتی بیش از پیش آشکار خواهد شد. در این میان، نقش آمریکا به عنوان بازیگردان اصلی صحنه های بحران، بار دیگر عیان شد. واشینگتن در مقاطع حساس و نیز در این مرحله از بحران، با مداخله مستقیم، از فروپاشی بیشتر مواضع رژیم صهیونیستی مانع شد. این وابستگی عمیق، پرسش های جدی درباره توانایی واقعی تل آویو برای ادامه مسیر بدون پشتیبانی بی قید و شرط و تمام عیار آمریکا ایجاد کرده است. از سوی دیگر، تأثیر این درگیری ها بر جبهه مقاومت غیرقابل انکار است. گروه های مقاومت مانند انصارا... یمن و حماس، با الهام از نتایج این رویارویی، طی دو هفته اخیر عملیات نظامی خود را با شدت و دامنه بی سابقه ای تشدید کرده اند. این تحركات نشان می دهد که ترس تاریخی از بازدارندگی اسرائیل تا حد زیادی رنگ باخته و معادلات قدرت در منطقه وارد فاز جدیدی شده است. با این حال، نباید از نظر دور داشت که رژیم صهیونیستی، با وجود تمام شکست های راهبردی، همچنان از ظرفیت های خطرناکی برای تنش آفرینی برخوردار است. ماهیت تهاجمی ذاتی این رژیم و سابقه اقدامات غیرقابل پیش بینی آن، هشدار می دهد که هرگونه تحلیل قطعی درباره آینده می تواند با خطای محاسباتی همراه باشد. از طرفی، وضعیت داخلی اسرائیل نیز روز به روز بی ثبات تر می شود؛ افزایش اعتراضات علیه دولت نتانیاوو و چالش های قضائی پیش روی او، ممکن است محرکی برای اقدامات انحرافی و تهاجمی باشد. این عوامل در کنار فشارهای فزاینده بین المللی، تصویر پیچیده ای از آینده ترسیم می کند. در چنین شرایطی، سناریوهای محتمل به چند دسته متمایز تقسیم می شوند: نخست، تداوم وضعیت موجود با شدت گیری جنگ در دیگر اضلاع محور مقاومت همچون جنوب لبنان، یمن و حتی فعال سازی کانون های تروریسم مذهبی در عراق برای درگیر ساختن الحشد الشعی به فتنه داخلی که در حال حاضر محتمل ترین گزینه به نظر می رسد. دوم، اقدام محدود اما تهاجمی اسرائیل برای جبران وجهه از دست رفته خود که به محاسبات دقیق از سوی ایران نیازمند خواهد بود، و سوم، درگیری گسترده تر در صورت وقوع اشتباه محاسباتی افشاز سوی هر یک از طرفین. در میان این گزینه ها، به نظر می رسد حفظ وضع موجود با شدت گیری کنترل شده درگیری های با دیگر اضلاع محور مقاومت، بیش ترین احتمال وقوع را دارد، چراکه هم تهران و هم تل آویو به خوبی از پیامدهای تفسری یابندگی و هزینه های سرسام آور یک جنگ تمام عیار آگاهند. نکته دیگر و در عین حال کلیدی این است که تحولات آتی بیش از هر چیز به محاسبات راهبردی آمریکا بستگی دارد. اگر واشینگتن تشخیص دهد که ادامه بحران به زیان منافع حیاتی آن است، ممکن است فشارها بر اسرائیل برای مهار تنش ها افزایش یابد. اما اگر ارزیابی آنها حاکی از فرصت سازی جدید باشد، منطقه باید خود را برای دور تازه ای از درگیری ها آماده کند. نکته پایانی به رفتار دیگر بازیگران مسلح نظام همچون نوع مواجهه چین در خصوص تداوم بحران در منطقه و یا حتی تروئیکای اروپایی فرانسه، انگلستان و آلمان در قبال استفاده از اسنپ یک بازمی گردد. اخبار منتشرشده از در اختیار گذاردن جنگنده های نسل چهارم و نیمه پنهان کار و فوق پیشرفته جی ۱۰ چین و یا سامانه های دفاع هوایی به ایران می تواند بر تغییر موازانه فتاواری جنگ به صورت قابل توجهی تأثیرگذار باشد و یا در سوی دیگر، فعال سازی اسنپ یک از سوی تروئیکای اروپایی که به باگشت تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران منجر می شود به معنای بازگشت ایران به شرایط به شدت امنیتی شده پیش از برجام خواهد بود که می تواند زمینه فشارهای حداکثری علیه آن باشد که طبعاً این اقدام می تواند تسهیل گر اقدامات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه ایران باشد. هرچند این اقدام خود به عوامل مختلفی از جمله وضعیت جنگ در شرق اروپا یین روسیه و اوکراین، سیاست های ناتو، نقش لای صهیونیسم در نظام تصمیم گیری اروپایی و نیز میزان تبعیت اروپا از سیاست های ترامپ در منطقه و صد البته آینده ثبات جریان انرژی در خاورمیانه مرتبط می شود که طبعاً انتخاب آسانی نخواهد بود و هرگونه اقدام در چارچوب مجموعه پیچیده ای از مولفه ها انجام خواهد شد. در مجموع، آنچه مسلم است، نظم امنیتی پیشین در خاورمیانه به پایان رسیده و بازیگران منطقه باید خود را با واقعیت های جدیدی تطبیق دهند که ایران در آن به عنوان یکی از ارکان اصلی معادلات امنیتی ظاهر شده است. این تحول، خود زمینه ساز چالش ها و فرصت های جدیدی خواهد بود که تحلیل آنها به نگاهی عمیق تر و جامع تر نیازمند است.

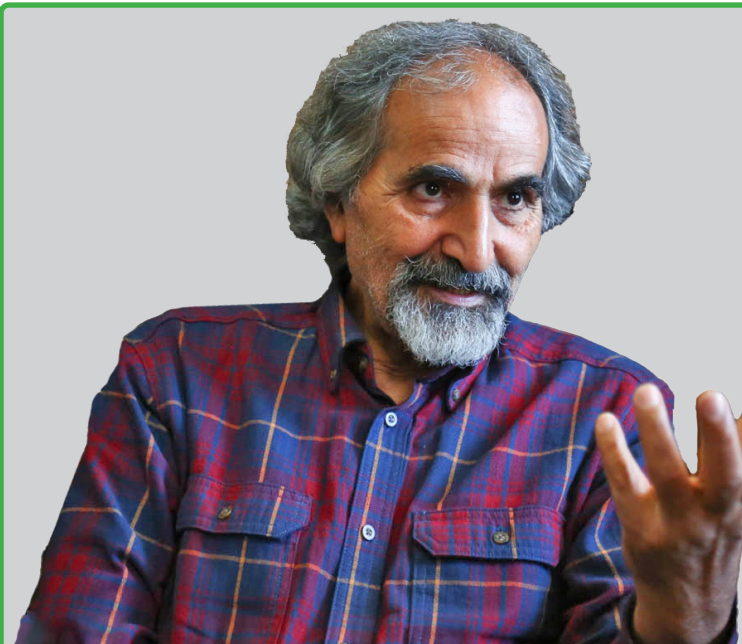
دکتر تقی آزادارمکی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

جنگ ۱۲ روزه یک جنگ استثنائی بود



جامعه مدنی به تولد دوباره ایران موضوعیت داده است

تفسیر بینادگرایان از جنگ نباید ملاک تصمیم گیری های کشور باشد



آرمان ملی - احسان انصاری: مهم ترین پیامدهای اجتماعی جنگ ۱۲ روزه چیست و این جنگ چه مدالاتی را در فضای سیاسی و اجتماعی ایران تغییر داده است؟ ابعاد اجتماعی و سیاسی پدیده نفوذ در این جنگ چه بود و چرا تا قبل از آن با توجه به نشانه های موجود مورد توجه و بررسی قرار نگرفته بود؟ آیا اخراج افاغنه از کشور می تواند مسأله نفوذ را در کشور کاهش بدهد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر تقی آزادارمکی استاد دانشگاه و جامعه شناس گفت وگو کرده است. آزادارمکی در این زمینه معتقد است: «جنگ ها بیش از انقلاب ها منشأ تغییر بوده اند. دلیل این موضوع نیز این است که تغییرات در قبل از انقلاب ها صورت می پذیرد اما در مورد جنگ ها این وضعیت عکس است و پس از جنگ تغییر به وجود می آید. به همین دلیل پس از جنگ ۱۲ روزه ما باید به دنبال این باشیم که

آرمان ملی - احسان انصاری: مهم ترین پیامدهای اجتماعی جنگ ۱۲ روزه چیست و این جنگ چه مدالاتی را در فضای سیاسی و اجتماعی ایران تغییر داده است؟ ابعاد اجتماعی و سیاسی پدیده نفوذ در این جنگ چه بود و چرا تا قبل از آن با توجه به نشانه های موجود مورد توجه و بررسی قرار نگرفته بود؟ آیا اخراج افاغنه از کشور می تواند مسأله نفوذ را در کشور کاهش بدهد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر تقی آزادارمکی استاد دانشگاه و جامعه شناس گفت وگو کرده است. آزادارمکی در این زمینه معتقد است: «جنگ ها بیش از انقلاب ها منشأ تغییر بوده اند. دلیل این موضوع نیز این است که تغییرات در قبل از انقلاب ها صورت می پذیرد اما در مورد جنگ ها این وضعیت عکس است و پس از جنگ تغییر به وجود می آید. به همین دلیل پس از جنگ ۱۲ روزه ما باید به دنبال این باشیم که

معادلات جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل چه پیامدهای اجتماعی برای جامعه ایران داشت؟

جنگ یک پدیده ساده نیست و بلکه پیچیده است و احتمال اشغال سرزمین نیز در آن وجود دارد. جنگ اخیر نیز نوعی به هم زدن شرایط اجتماعی، سیاسی و... را به همراه داشت. از سوی دیگر جنگ اخیر این مسأله ا برابری کشور به وجود آورده که جاسوس کیست و چه کسی اطلاعات را در اختیار اسرائیل قرار داده است؟ در ابتدای این جنگ فرماندهان ارشد نظامی ماتور شدند که چنین وضعیتی در جنگ های کلاسیک جهان سابقه نداشته و در نوع خود یک جنگ استثنائی بوده است. من معتقدم جنگ ها بیش از انقلاب ها منشأ تغییر بوده اند. دلیل این موضوع نیز این است که تغییرات در قبل از انقلاب ها صورت می پذیرد، اما در مورد جنگ ها این وضعیت عکس است و پس از جنگ تغییر به وجود می آید. به همین دلیل پس از جنگ ۱۲ روزه ما باید دنبال این باشیم که اثرات پس از این جنگ در جامعه چه بوده است. در حین جنگ تنها نظامیان در حال جنگیدن هستند و قرار نیست تغییری رخ بدهد و تغییر اصلی در دوران پس از جنگ رخ خواهد داد. نکته دیگری که درباره این جنگ وجود داشت این بود که در این جنگ توده کنار رفته بودند و این تکنولوژی بود که نقش تعیین کننده ای ایفا می کرد. یکی از مهم ترین پیامدهای اجتماعی این جنگ این بود که یک حس میهن دوستی دوباره در بین ایرانیان زنده و ایران دوباره متولد شد. در واقع جنگ ۱۲ روزه پدیده ای مواجه بود به نام تولد دوباره ایران. این اتفاق نیز توسط جامعه مدنی و طبقه متوسط رخ داده و جامه مدنی با قابلیت هایی که داشت در این مدت توانست به تولد دوباره ایران موضوعیت بدهد.

جنگ اخیر مسأله نفوذ را به صورت جدی مورد توجه قرار داد. چرا پدیده نفوذ تا به این اندازه در جامعه ایران جدی شده و امنیت کشور را با چالش مواجه کرده است؟

واقعیت این است که در جنگ اخیر دشمن داخلی بیشتر موضوعیت پیدا کرد تا دشمن خارجی. دشمن خارجی نزدیک به ۱۴۰۰ کیلومتر دورتر از مرزهای ایران بود اما کسانی که زمین بازی را برای دشمن خارجی فراهم کردن در داخل حضور داشتند. مسأله نفوذ را می توان در چند سطح مورد بررسی قرار داد. سطحی از نفوذ مربوط به نیروهای اجتماعی عمومی بودند که برخی آن را به نارضایتی سیاسی تعبیر کردند و عنوان کردند این گروه نفوذی هستند. به عنوان مثال اصولگرایان کسانی را که در سال ۸۸ تا ۱۴۰۱ حضور داشتند و اعتراض می کردند نفوذی می دانند. برخی هم

نعمت...! ایزدی مطرح کرد:

تصمیم برای هر مذاکره ای با اجماع تمامی مقامات مسئول خواهد بود

است. به هر حال، اعتمادی اجمالی باید ایجاد شود و بخشی از این کار به نظر من به عهده واسطه هاست تا این اعتماد سازی را ایجاد کنند. نعمت...! ایزدی با بیان اینکه مسأله اعتماد سازی حالت کمی ندارد و عدد و رقمی در آن وجود ندارد، عنوان کرد: نمی توان به سادگی گفت که این اعتماد سازی باید به چه شکلی باید صورت گیرد. بنابراین، تصمیمی برای اینکه چیزی نوشته شود، وجود ندارد و احتمالاً واسطه های مطمئن باید با طرفین به خوبی صحبت کنند. این دیپلمات با سابقه کشورمان با تأکید بر اینکه اعتماد کیفی است و اگر قرار باشد به یک حالت کمی برسد، باید در مورد صحبت هایی که انجام می شود دقت کنیم، اظهار کرد: مذاکره دو وجه دارد و یکی از این وجوه این است که مادر کوران مذاکرات مورد حمله اسرائیل قرار گرفته ایم و هر لحظه ممکن است تکرار شود که طبیعتاً مایاسخ خواهیم داد. اگر مذاکره ای انجام شود یا دیر انجام شود به نتیجه نرسد با طرفین بر موضوع خود